

## تصمیم راجع به درخواست ارائه شده توسط اداره دادستانی برای صدور یک دستور مبنی بر وضع محدودیت و سایر تقاضاها

1. من یک درخواست از اداره دادستانی برای صدور یک دستور مبنی بر وضع محدودیت در چارچوب بخش 19 قانون تحقیقات 2005 را در اختیار دارم که به شهادت سه شاهد مربوط می شود که قرار است در آینده نزدیک، شواهد خود را به تیم تحقیقات ارائه نمایند: خانم حنان وهابی، آقای ماریسو گومز و آقای زاک چیبوئینی. قرار بود خانم وهابی در 31 اکتوبر 2018 شهادت دهد اما در آن زمان امکان ارائه شهادت برای وی وجود نداشت زیرا جریان دادرسی بخاطر بررسی اولیه این درخواست متوقف شد. آقای گومز قرار بود تا شهادت خود را در روز سه شنبه، 6 نوامبر ارائه دهد. بیانیه آقای چیبوئینی قرار است در 8 نوامبر 2018 با هدف کمک به مجموعه شواهد و به عنوان بخشی از آن، رسماً شامل شواهد شود.
2. این درخواست با هدف جلوگیری از آنچه بنابه اظهارات اداره دادستانی یک ریسک قابل توجه می باشد صورت گرفته است. به اساس دیدگاه اداره متذکره، ریسک قابل توجه اینست که انتشار گزارش های مربوط به شهادت شفاهی خانم وهابی و آقای گومز و قرائت بیانیه آقای چیبوئینی باعث لطمه وارد شدن به اجرای عدالت در جریان محاکمه ای خواهد شد که قرار است دوشنبه این هفته در دادگاه کیفری آیلورث آغاز شود. مدعی علیه در این دادگاه متهم است که به شکل فریبکارانه ای به اداره سلطنتی کنزینگتون و چلسی گفته بود که وی در زمان آتش سوزی در آپارتمان 182 برج گرنفل زندگی می کرده است. انتظار می رود که این محاکمه در ظرف یک هفته نهایی شود.
3. اداره خدمات بازجویی قصد دارد تا خانم وهابی و آقای گومز را برای ارائه شهادت در حمایت از روند بازجویی احضار نماید. آپارتمان 182، خانه عبدالعزیز الوهابی و فامیلش بود که همه آنها در آتش سوزی جان خود را از دست دادند. خانم حنان وهابی خواهر عبدالعزیز الوهابی است. وی به بردارش و خانواده وی نزدیک بود و زمان قابل توجهی را با آنها گذرانده بود. وی نیز در برج گرنفل زندگی می کرد و به شکل مرتب به خانه شان سر می زد. آقای گومز و فامیلش در آپارتمان 183 زندگی می کردند. وی و خانواده اش همسایه خانواده الوهابی بودند و آنها را خوب می شناختند. انتظار می رود که هر دو شاهد بگویند که آنها هیچ نشانه ای مبنی بر اینکه مدعی علیه در گذشته در آپارتمان

182 زندگی می نموده است را ندیده اند. لذا آنها شاهدان مهمی برای روند بازجویی اند.

4. این درخواست در ابتدا توسط پلیس متروپولیتن به نمایندگی از اداره دادستانی صورت گرفت. بعد از شنیدن اظهارات اولیه خانم ایمی کلرک در 31 اکتوبر 2018 من دستور دادم که ارائه درخواست به 2 نوامبر 2018 به تعویق بیفتد. من همچنین دستور دادم که اگر اداره دادستانی می خواهد آن را پیگیری کند باید خودش این کار را انجام دهد و یک درخواست را به شکل کتبی همراه با خلاصه استدلال خود قبل از ساعت 1 بعد از ظهر اول نوامبر 2018 ارائه دهد.

5. به تعقیب دستور من، اداره دادستانی چنین درخواستی را ارائه نمود و در واقع مسئولیت پیشبرد این روند را برعهده گرفت. در 2 نوامبر من اظهارات خانم الکساندرا فیلکس به نمایندگی از اداره دادستانی و در حمایت از درخواست متذکره را شنیدم. در پایان جلسه دادرسی من درخواست متذکره را رد کردم و اظهار داشتم که دلایل خود را بعدا به شکل کتبی ارائه خواهم داد. دلایل من برای رد این درخواست قرار ذیل است.

6. تقاضای اصلی که اداره دادستانی در درخواست کتبی خود مطرح نموده بود، صدور یک دستور مبنی بر وضع محدودیت بود که به اساس آن باید از هرگونه گزارش راجع به شهادت شاهدان تا بعد از اینکه هیأت منصفه رای خود را در دادگاه کیفری صادر کند، جلوگیری شود. تنها به عنوان جایگزین این تقاضا، اداره متذکره از من به عنوان رئیس تیم تحقیقات تقاضا نمود که شهادت خانم وهابی و آقای گومز به هیچ وجه نباید تا بعد از صدور رای هیأت منصفه در دادگاه شنیده شود. اما زمانیکه خانم فیلکس جهت حمایت از این درخواست به من مراجعه نمود، این موضوع را به شکل کاملا متفاوت مطرح نمود و پیشنهاد اصلی وی این بود که من باید دستور دهم که خانم وهابی و آقای گومز تا زمانی که رای هیأت منصفه صادر نشده است نباید شهادت دهند و اینکه تنها در صورتیکه متمایل به این اقدام نباشم، یک دستور مبنی بر وضع محدودیت در رابطه با شهادت آنها صادر نمایم.

7. دلایلی که به اساس آن، درخواست متذکره صورت گرفت تا حدودی پیچیده اند. همانطوریکه همه می دانند، جریان تحقیقات به صورت زنده از طریق اینترنت پخش می شود و همچنین مردم می توانند جریان ضبط شده دادرسی را در وب سایت تیم تحقیقات تماشا نمایند. لذا هر شخصی که کامپیوتر داشته باشد می تواند جریان تحقیقات را به صورت زنده و یا متعاقبا مشاهده نماید. جریان تحقیقات همچنین در معرض گزارش دهی وسیع مطبوعات و رسانه ها قرار داشته و علاقمندی قابل توجهی را در میان مردم ایجاد نموده است. خانم فیلکس اظهار داشت که اگر به خانم وهابی و آقای گومز اجازه داده شود که به شکل معمول و بدون محدودیت بر انتشار و یا گزارش دهی، شهادت خود را ارائه نمایند، این امر به

مدعی علیه فرصت خواهد داد تا استدلال نماید که این ریسک وجود دارد که رویکرد هیأت منصفه به شاهدان زمانیکه بخواهند اتهامات وارده علیه وی را بررسی نماید، ممکن است تحت تأثیر همدردی آنها با افرادی قرار گیرد که چنین تراژدی وحشتناکی را متحمل شده بودند. به عبارت دیگر، این احتمال بیشتر وجود دارد که آنها با دیدن و شنیدن جریان ارائه شواهد شاهدان به تیم تحقیقات و یا توسط پوشش رسانه ای شهادت آنها تحت تأثیر قرار گرفته و شواهد آنها را بپذیرند. این امر می تواند در مقابل، برای مدعی علیه مبنایی را برای یک درخواست ایجاد نماید که طی آن وی تقاضا نماید که جریان محاکمه متوقف شده و یا به یک تاریخی به تعویق بیفتد که این موضوع دیگر در اذهان هیأت منصفه تازه نباشد. (در واقع خانم فیلکس می پذیرفت که هیچ احتمالی برای موفقیت درخواست مدعی علیه مبنی بر موکول کردن کیفرخواست به بعدا به اساس دلایل مذکور وجود نخواهد داشت که از نظر من هم این درست بود.)

8. اهمیت کامل این پیشنهاد در پارگراف 16 درخواست متذکره تشریح شده است که متن آن حسب ذیل است:

16. در این رابطه مهم است تا به خاطر داشته باشیم که {مدعی علیه} فعلا در بازداشت بسر می برد و قرار است مدت زمان بازداشت وی در 24 دسامبر 2018 به پایان رسد. در صورتیکه قرار باشد جلسه دادگاه به بعدا موکول شود تا از هر نوع لطمه به روند محاکمه جلوگیری شود و امکان برگزاری جلسه دادگاه قبل از پایان زمان بازداشت نیز وجود نداشته باشد، در این صورت دادگاه کیفری نیاز خواهد داشت تا یک درخواست مبنی بر تمدید زمان بازداشت مدعی علیه را مورد بررسی قرار دهد. برای جلوگیری از هر نوع لطمه وارد شدن به جریان محاکمه، احتمالا برگزاری جلسه دادگاه به یک تاریخ بعد از پایان مدت زمان بازداشت موکول خواهد شد. برای تصمیم گیری راجع به چنین درخواستی، دادگاه بررسی خواهد نمود که آیا اداره خدمات بازجویی با دقت و سرعت لازم عمل نموده است. اگر دادگاه متقاعد نشود که اداره متذکره دقت و سرعت عمل لازم را داشته است، مدت زمان بازداشت تمدید نخواهد شد و {مدعی علیه} خواهد توانست به قید ضمانت آزاد شود. مدعی علیه سابقه نقض قانون آزادی به قید ضمانت را دارد و البته قابل تذکر است که وی آدرس منزل ندارد و لذا ریسک ناپدید شدن وی باید بالا باشد. گفته می شود که بخاطر منافع عمومی، باید اتهامات جدی وارده بر مدعی علیه، در دادگاه مورد رسیدگی قرار گیرد.

9. وقتی که برای اولین بار این پاراگراف را خواندم فهمیدم که منظور خانم فیلکس اینست که ریسک لطمه وارد شدن به جریان دادرسی کیفری بخاطر اینست که امکان فرار مدعی علیه از عدالت از طریق ناپدید شدن وی در جریان آزادی با قید ضمانت عملا وجود دارد اما خانم فیلکس در استدلال خود روشن ساخت که منظورش از تشریح زنجیره وقایع تنها این

بود که نشان دهد در صورت به تعویق افتادن جریان محاکمه، چه اتفاقی می‌تواند بیفتند. وی اظهار داشت که لطمه اصلی به جریان محاکمه ناشی از خود به تعویق افتادن آن است صرفنظر از اینکه بعد از آن چه اتفاقی امکان دارد بیفتد.

10. راحت‌تر اینست که کار را با بررسی درخواست مبنی بر وضع محدودیت آغاز نمایم چراکه این درخواست باعث طرح برخی ملاحظات شبیه به ملاحظات مرتبط با این سؤال می‌شود که آیا لازم است جدول زمانی روند تحقیقات برای شامل شدن دادرسی کیفری تغییر کند یا خیر. درخواست‌ها برای وضع محدودیت بر گزارش دهی معمولاً بیشتر در چارچوب بخش 4 (2) قانون اخلاص در نظم دادگاه 1981 صورت می‌گیرد. قانون مذکور به دادگاه این صلاحیت را می‌دهد که محدودیت‌های موقتی را بر گزارش دهی وضع نماید البته در جاییکه به نظر می‌رسد چنین کاری برای جلوگیری از ریسک جدی لطمه وارد شدن به اجرای عدالت در روند دادرسی ضروری است. همانطوریکه مراجع مربوطه روشن ساخته‌اند، دو اصطلاح خیلی مهم در این بخش فرعی "ضروری" و "ریسک جدی لطمه وارد شدن" است.

11. این درخواست در چارچوب قانون اخلاص در نظم دادگاه ارائه نشده است بلکه مطابق با بخش 19 قانون تحقیقات 2005 صورت گرفته است که چنین تصریح می‌کند:

"(1) محدودیت‌ها مطابق با این بخش، می‌تواند در موارد ذیل وضع شود:

(الف)...

(ب) به اشتراک‌گذاری و یا انتشار هرگونه ادله و یا اسنادی که برای یک روند تحقیقات تهیه می‌شود و یا به تیم تحقیقات ارائه می‌شود.

(2)...

(3) یک اطلاعیه و یا دستور مبنی بر وضع محدودیت باید تنها محدودیت‌هایی را مشخص نماید که

(الف) به اساس مفاد قوانین، الزامات قابل اجرای اتحادیه اروپا و یا حاکمیت قانون مورد نیاز باشد و

(ب) وزیر و یا رئیس تیم تحقیقات با توجه خاص به موضوعات ذکر شده در بخش فرعی 4، آن‌ها را برای انجام وظایف تیم تحقیقات مؤثر بدانند و یا آنها را برای منافع عمومی ضروری بدانند.

(4) این موضوعات عبارتند از:

(الف)...

(ب) هرگونه ریسک ضرر و یا آسیب که بتوان توسط چنین محدودیت‌هایی از آن جلوگیری نمود و یا آن را کاهش داد؛"

12. شاید نحوه بیان متفاوت باشد اما خانم فیلکس پذیرفت که با توجه به شباهت در ماهیت دستورهای مطالبه شده، اصول حاکم بر وضع محدودیت های گزارش دهی در چارچوب بخش 4(2) یک راهنمای مفید برای رویکردی است که باید پیرامون درخواست مبنی بر وضع محدودیت در قضیه فعلی اتخاذ نمایم. (من آماده ام تا برای مقاصد فعلی فرض کنم که بخش 19 به من این صلاحیت را می دهد که یک دستور از نوعی که در قضیه فعلی مطالبه شده است را صادر کنم، اگرچه، به اساس دلایلی که روشن خواهد شد، نیازی نیست که من راجع به این مسئله، نتیجه گیری نهایی داشته باشم.)

13. در محور این درخواست، نیاز به حل تنش بین دو اصل متعارض قرار دارد که در رابطه با هرکدام منافع قوی عمومی وجود دارد: عدالت آزاد و شفاف و اجرای مؤثر عدالت. اصل عدالت آزاد و شفاف تا جایکه در ارتباط با جریان دادرسی در دادگاه کاربرد دارد به اندازه ای روشن است که دیگر نیازی به ارجاع و اشاره به قانون و یا رویه مربوطه نیست اما مهم است که بپذیریم در مراجع مربوطه روشن ساخته شده است که از این اصل تنها در صورتی که نیاز باشد و آن هم به شکل مناسب می توان عدول کرد. معیاری که در بخش 4(2) قانون اخلاص در نظم دادگاه انعکاس یافته است، مبتنی بر نیاز است و نه سهولت.

14. هر گونه تحقیقاتی که در چارچوب قانون تحقیقات 2005 صورت می گیرد اساساً یک تحقیق عمومی است و رئیس تیم تحقیقات به اساس بخش 18 قانون ملزم است (با توجه به هر گونه محدودیت وضع شده به اساس بخش 19) تا قدم های معقول را بردارد تا زمینه این فراهم شود که مردم از جمله گزارشگران در روند تحقیقات شرکت نمایند و یا اینکه پخش همزمان جریان دادرسی در روند تحقیقات را ببینند و یا بشنوند و همچنین بتوانند بایگانی شواهد ارائه شده به تیم تحقیقات را اخذ کنند و یا ببینند. بنابراین، جوهر اصلی روند تحقیقات عمومی اینست که جریان دادرسی آن علنی باشد و اینکه اصل عدالت آزاد و شفاف همانطوریکه در جریان دادرسی در دادگاه کاربرد دارد با همان قوت در رابطه با چنین تحقیقاتی نیز کاربرد داشته باشد. اصل عدالت آزاد و شفاف یک اصل مطلق نیست همانطوریکه بخش 19 قانون خودش بیان می دارد اما این اصل خیلی اهمیت دارد و تنها زمانی می توان از آن عدول کرد که در این زمینه نیاز وجود داشته باشد. به همین دلیل، از نظر من اصولی که توسط دادگاه ها در رابطه با درخواست ها در چارچوب بخش 4(2) قانون اخلاص در نظم دادگاه تدوین یافته است می تواند به تصمیم گیری در رابطه با یک درخواست از نوع فعلی در چارچوب بخش 19 قانون تحقیقات کمک نماید. خانم فیلکس در این زمینه اختلاف نظر نداشت.

15. رویکرد قابل استفاده در رابطه با درخواست مبنی بر وضع محدودیت اخیراً توسط دادگاه استیناف در *"R v Sarker [2018] EWCA Crim 1341"* در نظر گرفته شده است که در آن لرد بارنت، رئیس دادگاه عالی اصولی که قرار است از مراجع قبلی استنتاج شود را خلاصه نمود. در پارگراف 30 رای دادگاه، وی چنین اظهار داشت:

30. شرح روشن رویکردی که قرار است اتخاذ شود را می توان در قضاوت لانگمور در "Sherwood at [22]" ( که توسط شورای خصوصی در "Independent Publishing Co Ltd at [69]" تأیید شد) یافت.

(الف) اولین سؤال اینست که آیا گزارش دهی باعث ایجاد ریسک جدی لطمه وارد شدن به اجرای عدالت در دادرسی مربوطه می شود یا خیر ( پاراگراف 32 در ذیل را ببینید). در صورتی که پاسخ نه باشد، این پایان موضوع خواهد بود.

(ب) اگر تصور این باشد که چنین ریسکی وجود دارد، دومین سؤال مطرح می شود و آن اینکه آیا یک دستور در چارچوب بخش 4(2) باعث رفع آن خواهد شد؟ اگر پاسخ نه باشد، دیگر نیازی به وضع چنین ممنوعیتی نیست. از سوی دیگر، حتی اگر قاضی قانع شود که صدور یک دستور باعث تحقق هدف مورد نظر خواهد شد، وی هنوز هم باید بررسی کند که آیا ریسک مورد نظر می تواند به شکل قانع کننده ای توسط ابزارهای کمتر محدود کننده رفع شود یا خیر. در این صورت، دیگر نمی توان گفت که "نیاز" است تا یک رویکرد شدید تر اتخاذ شود:

*ex parte Central Television plc at 8D-G per Lord Lane CJ.*

(ج) اگر قاضی قانع شود که در واقع هیچ راه دیگری برای از بین بردن ریسک وارد شدن لطمه به جریان دادرسی وجود ندارد؛ هنوز هم این امر لزوماً به این معنی نیست که باید یک دستور صادر شود. هنوز هم قاضی باید ببیند که آیا میزان ریسک پیش بینی شده از نظر "انتخاب بین بد و بدتر" قابل تحمل است. در این مرحله است که ممکن است در رابطه با تقدم بین منافع عمومی متعارض؛ محاکمه عادلانه و آزادی بیان/عدالت آزاد و شفاف؛ قضاوت های ارزشی صورت گیرد: *ex parte Telegraph plc at 986B-C*

من پیشنهاد می کنم که در تصمیم گیری راجع به درخواست فعلی یک رویکرد مشابه اتخاذ شود.

16. در رابطه با این سؤال که چه چیزی باعث ایجاد یک ریسک "جدی" وارد شدن لطمه به جریان دادرسی می شود، لرد بارنت، رئیس دادگاه عالی چنین اظهار داشت:

31. کلمه " قابل توجه " در این بخش به معنی " پراهمیت " نیست بلکه منظور چیزی است که " غیرقابل توجه " و " ناچیز " نباشد:

*Attorney General –v- News Group Newspapers [1987] QB 1, at 15D-E per Lord Donaldson MR; Re MGN Limited at [15] per Lord Judge CJ.*

17. در پاراگراف 32 وی دیدگاه ذیل را مطرح نمود که از نظر من نه تنها در رابطه با گزارش های مربوط به جریان خود محاکمه کاربرد دارد بلکه به صورت عموم نیز کاربرد دارد:

... هیأت های منصفه " یک باور و تعهد پراشتیاق و عمیق به حق مدعی علیه برای داشتن یک محاکمه عادلانه دارند" و صداقت آنها " یک از ویژگی های اساسی فرآیند محاکمه است"; هیأت های منصفه از دستورات قاضی دادگاه اطاعت خواهند نمود نه تنها به این دلیل که آنها در واقع دستورات قانون بوده و باید مراعات شوند بلکه به این خاطر که آنها " مستقیماً به باور بنیادی و فطری شان نسبت به نیاز به عادلانه بودن محاکمه رجوع خواهند کرد":

*R –v- B at [31] per Sir Igor Judge PQBD; ex parte Telegraph plc at 987E-G per Lord Taylor CJ.*

( ما ملاحظه نمودیم که این اظهارات توسط نتیجه گیری های مبتنی بر شواهد توسط کمیسیون قانون در گزارش 2014 شان *"Contempt of Court (2); Court Reporting"* (Law Com No.344) paragraph 2.30 (3) تائید شده است که بیان می دارد " اعضای هیأت منصفه فرآیند محاکمه را مجاب کننده می یابند و به صورت قابل توجهی، آنچه را که در جریان محاکمه می شنوند را بر آنچه که ممکن است از طریق رسانه ها و بیرون از روند محاکمه شنیده باشند، ترجیح می دهند")؛

18. هیچ دلیلی وجود ندارد که به اساس آن فکر کنم که هیأت منصفه در محاکمه پیش رو رویکرد اصولی مذکور به وظایفش را اتخاذ نخواهد کرد. در واقع من مطمئنم که هیأت منصفه چنین رویکردی را اتخاذ خواهد نمود. علاوه براین، می توانیم با اطمینان فرض کنیم که در این قضیه، قاضی دادگاه قویا و به روشنی به هیأت منصفه دستور خواهد داد که آنها باید مدعی علیه را به اساس شواهدی که در اختیارشان قرار گرفته است محاکمه کنند و هرچیزی که ممکن است بیرون از دادگاه شنیده و یا دیده اند را باید از ذهن شان خارج نمایند. من فکر می کنم که ریسک به تعویق افتادن بعید به نظر می رسد. هیأت های منصفه اغلب ملزم به شنیدن شهادت از قربانیان جرم می باشند و آنها معمولاً با این قربانیان، همدردی زیاد دارند اما آنها می توانند و تلاش می کنند تا نگذارند که حس همدردی شان رویکرد آنها به شواهد را تحت تأثیر قرار دهد. اگر مدعی علیه در رابطه با حضور خانم وهابی و آقای گومز به عنوان شاهد در روند تحقیقات ابراز نگرانی نماید، قاضی در صورتیکه مناسب بداند می تواند به هیأت منصفه مشخصاً دستور دهد که آنها نباید اجازه دهند که همدردی آنها با شاهدان آنها را تحت تأثیر قرار دهد اگر چه ممکن است آنها سزاوار این نوع همدردی باشند. این موضوع در رابطه با هر گونه گزارشی راجع به اظهارات آقای چیبوئینی نیز مصداق دارد.

19. متأسفانه من زنجیره استدلال در پاراگراف 16 درخواست متذکره را تا حدی ضعیف یافتیم. فرض بر این است که ارائه یک درخواست برای به تعویق افتادن یک محاکمه ممکن نیست و اگر چنین درخواستی صورت گیرد از نظر من احتمالاً با توجه به اعتمادی که قضات به شکل سنتی به توانایی هیأت منصفه برای انجام وظایف شان به شکل بیغرضانه و مطابق با دستورات داده شده به آنها دارند، اجازه داده نخواهد شد که محاکمه به تعویق بیفتد. حتی اگر اجازه به تعویق افتادن محاکمه داده شود،

هنوز امکان آن وجود دارد که جلسه محاکمه در یک تاریخ زودتر از 24 دسامبر برگزار شود. اگر چنین نمی بود، یک درخواست می توانست برای تمدید مدت زمان بازداشت صورت گیرد و هیچ دلیلی به من ارائه نشد که به اساس آن فکر کنم که چنین درخواستی رد خواهد شد. اما زمانیکه خانم فیلکس روشن ساخت که منظور وی از اتکا به زنجیره بالقوه حوادث، لطمه وارد شدن به جریان دادرسی از طریق فرار مدعی علیه از عدالت نبود، روشن شد که موضوع اصلی، زمان محاکمه بود و نه چیزی جدی تر از آن. در واقع، نهایتاً خانم فیلکس پذیرفت که منظور وی از لطمه وارد شدن به جریان دادرسی، این بود که این کار باعث اذیت شاهدان خواهد شد چراکه فعلاً قرار است آنها در هفته پیش رو شهادت دهند اما در این صورت لازم خواهد بود تا در یک تاریخ بعدی این کار را انجام دهند. من می پذیرم که نباید به موضوع امکان اذیت شدن شاهدان از این طریق بی توجهی صورت گیرد. با توجه به اینکه آنها قربانی تراژدی های شخصی بوده اند، نگرانی و دلهره آنها نسبت حضور در دادگاه جهت ارائه شهادت حتی می تواند بیشتر باشد. اما این همانند لطمه وارد نمودن به اجرای عدالت نیست چراکه هیچ دلیلی وجود ندارد که فکر کنیم شاهدان برای ارائه شهادت در یک تاریخ بعدی در دسترس نخواهند بود.

20. در چنین شرایطی من اصلاً بر این باور نیستم که اجازه دادن به خانم وهابی و آقای گومز مبنی بر اینکه شهادت خود را در محضر عام و به شکل معمول ارائه دهند قبل از اینکه یک حکم صادر شود باعث ایجاد ریسک قابل توجه لطمه وارد شدن به اجرای عدالت خواهد شد و من هیچ دلیلی را نمی بینم که به اساس آن فکر کنم که خواندن بخش های مهم بیانیه آقای چیبوتینی در هر زمان ممکن، به جریان محاکمه آسیب وارد می کند. در چنین شرایطی، خانم فیلکس نتوانسته است الزامات اولیه را برآورده سازد تا به اساس آن من بتوانم به شکل مناسب یک دستور مبنی بر وضع محدودیت آنطوریکه مطالبه شده است را صادر نمایم.

21. به اساس دلایل مشابه، وی از نظر من نتوانسته است هیچ دلیل مناسبی را برای درخواست از تیم تحقیقات جهت به تعویق انداختن اخذ شهادت از خانم وهابی و آقای گومز الی بعد از صدور حکم در یک دادگاه کیفری ارائه نماید. چنین درخواستی مستلزم ایجاد تعادل بین منافع عمومی در زمینه پیشبرد مؤثر روند تحقیقات و منافع عمومی در زمینه اجرای عدالت است. تیم تحقیقات اکنون مشغول شنیدن شهادت از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل است و در ظرف هفته های پیش رو شواهد سایر افراد از جمله شهود کارشناس را خواهد شنید. مردم قویاً علاقمندند تا اطمینان حاصل شود که این مرحله از روند تحقیقات در اسرع وقت ممکن تکمیل می شود و برای این منظوری که جدول زمانی با دقت تهیه شده است و هدف اینست که جلسات دادرسی فعلی قبل از کریسمس تکمیل شود. این جدول زمانی اجازه عدول خیلی کم و یا هیچ نوع عدولی را نمی دهد و تا حد امکان باید از هرگونه اختلالی در این زمینه جلوگیری شود.



22. به تعویق انداختن شهادت شاهدان عواقب خیلی نامطلوبی دارد. تا جاییکه به خود روند تحقیقات مربوط می شود این کار باعث ایجاد اختلال در جدول زمانی و به صورت بالقوه از دست رفتن زمان می شود. این کار همچنین می تواند منجر به این شود که شواهد با مؤثریت و دقت کمتر ارائه شود. اما موضوع در همینجا پایان نمی یابد. بسیاری از شاهدان، مشغله های مهمی بیرون از روند تحقیقات دارند و روزهای خاصی را برای ارائه شهادت خود تنظیم نموده اند. این موضوع مخصوصاً در رابطه با کسانی که در ادارات خدمات عمومی کار می کنند مصداق دارد چراکه زمان انجام وظیفه شان اغلب باید از قبل تنظیم شود. همیشه آسان نیست که ترتیبات این چنینی را در دقایق آخر تغییر داد و هر گونه اختلالی به ترتیبات فعلی می تواند منتج به ایجاد مشکلات برای دیگران شود.

23. همچنین موضع آن دسته از خانواده های داغیده، بازماندگان و ساکنین محل که قرار است از این پس به ارائه شهادت به تیم تحقیقات بپردازند مهم است. بسیاری از آنها نیز مشغله هایی دارند که باید به شکلی در نظر گرفته شود و نمی تواند در دقایق آخر تغییر یابد چراکه این کار خیلی باعث اذیت آنها می شود. برای بسیاری از شاهدان، انتظار احضار شدن برای شریک ساختن تجربه شان از فاجعه در منظر عام یک انتظار اضطراب آور است که آنها (و اغلب خانواده های شان) خود را برای مواجهه با آن در روزی که برای ارائه شهادت شان تنظیم شده است آماده نموده اند. تغییر در این ترتیبات در دقایق آخر نه تنها می تواند مایوس کننده باشد بلکه می تواند خیلی ناخوشایند نیز باشد چراکه آنها باید برای دومین بار خود را برای چالش مشابه آماده کنند.

24. تداخل در جدول زمانی حتی می تواند عواقب گسترده تری داشته باشد. به عنوان مثال، روزهای خاصی برای ارائه شهادت کارشناسان تنظیم شده است. زمان شهادت آنها به شکلی تنظیم شده است تا اطمینان حاصل شود که آنها فرصت کافی برای بررسی شواهد ارائه شده توسط کسانی که مستقیماً آتش سوزی را تجربه نمودند داشته اند. عادلانه است که فرض کنیم آنها نیز مشغله های شخصی و کاری دیگری دارند و برنامه خود را طوری تنظیم نموده اند که بتوانند در روزهایی که به آنها اختصاص داده شده است حاضر باشند. با توجه به اینکه نیاز به شنیدن این درخواست قبلاً باعث تداخل در ترتیبات تنظیم شده برای روند تحقیقات شده است فعلاً معلوم نیست که خانم وهابی و آقای گومز چه زمانی خواهند توانست به ارائه شهادت بپردازند. اما صدور دستور مبنی بر اینکه آنها نباید تا بعد از صدور رای هیأت منصفه شهادت خود را ارائه نمایند، به صورت اجتناب ناپذیر باعث اختلال و ایجاد میزان بیشتری از عدم اطمینان خواهد شد. چنین اقدامی تنها در صورتی می تواند توجیه پذیر باشد که برای جلوگیری از لطمه وارد شدن به اجرای عدالت لازم می بود.

25. اما بنا به دلایلی که قبلاً ذکر نمودم من فکر نمی کنم که در صورتیکه به خانم وهابی و آقای گومز اجازه دهیم که تحت شرایط عادی در جریان هفته پیش رو شهادت دهند و یا اینکه بیانیه آقای چیوبوئنی قرائت

شود باعث ایجاد ریسک قابل توجه لطمه وارد شدن به اجرای عدالت شود.  
به اساس این استنباط، درخواست مذکور باید رد شود.

امضاء شده توسط مارتین مور-بیک

5 نوامبر 2018